

بررسی تعریف و ویژگی های تربیتی انسان مجاهد بر اساس آیات قرآن کریم

جلال کاویانی^۱، صدرا علیپور^۲، یوسف مقدسی^۳

چکیده

مقدمه: تربیت انسان مجاهد نوع خاصی از اصول تعلیم و تربیت است که در اسلام به آن توجه فراوانی شده است و در این راستا ویژگی هایی در قرآن برای آن ذکر گردیده است چرا که تربیت این نوع از انسان می تواند تاثیرات فراوانی در جوامع بشری ایفاء کند از این رو هدف این پژوهش، بررسی تعریف و ویژگی های انسان مجاهد بر اساس آیات قرآن کریم است.

روش پژوهش: مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می باشد که از نوع مطالعات اسنادی داده‌های تحقیق گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل متون قرآنی- دینی مورد تحقیق و توصیف قرار گرفته است

یافته ها: به این امر مهم دست یافتیم که از صدر اسلام تربیت معنوی انسان مجاهد همواره مورد تاکید و توجه دین اسلام و قرآن است و نمونه کامل یک انسان محسوب می شود که علاوه بر برخورداری از شخصیت و ویژگی های اخلاقی، اهتمام زیادی به آموزه های قرآنی نیز دارد

نتیجه گیری: بر اساس مولفه های پژوهش، آنچه مشروعیت و اهتمام تربیت انسان مجاهد را نشان می دهد برخورداری آن از ویژگی هایی همچون ترجیح آخرت به دنیا، داشتن ایمان قوی، برخورداری از روحیه توکل بر خداوند متعال، امید داشتن به رحمت الهی، برخورداری از عدالت و هدایتگری، نمازگزار بودن، تحمل و پایداری در برابر سختی های مبارزه، برخورداری از روحیه امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت پذیری، اطاعت از ولایت و رهبری الهی و ظلم ستیزی است.

کلید واژه ها: انسان مجاهد، تعلیم و تربیت، دین اسلام، قرآن کریم

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش نهایی:

استناد: کاویانی ج، علیپور ص، مقدسی ی. بررسی تعریف و ویژگی های تربیتی انسان مجاهد بر اساس آیات قرآن کریم، خانواده و بهداشت، ۱۴۰۱؛ ۱۲(۳): ۵۱-۷۳

^۱ - دانشجوی دکتری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

^۲ - استادیار، واحد ماکو، دانشگاه آزاد اسلامی، ماکو، ایران، dr.sadrilipour@gmail.com

^۳ - استادیار، دانشگاه فرهنگیان ارومیه، ارومیه، ایران



© حقوق برای مؤلف (آن) محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد در خانواده و بهداشت تحت مجوز کپی‌رایت کامنز (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) منتشر شده که طبق مفاد آن هرگونه استفاده غیر تجاری تنها در صورتی مجاز است که به اثر اصلی به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد

مقدمه:

موضوع تعلیم و تربیت و روش های آن، مبحثی است که از دیر باز توجه بشر را به خود جلب کرده است و در تمام عصرهای زندگانی انسان، از اهمیت والایی برخوردار بوده است. پیامبر اکرم(ص) از ۱۴ قرن قبل، آخرین برنامه کمال و سعادت بشر را بر انسان عرصه داشت. آن حضرت مردم را به فراگیری علم و دانش، کسب اطلاعات و آداب نیکو فراخواند و فراگیری دانش را بر هر مسلمانی واجب دانست. (۱) از این رو یکی از اهداف مهم دین و بعثت انبیا (علیهم السلام) تربیت و تزکیه انسان است. دین اسلام نیز در احکام عبادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود، تربیت انسانها را وجه همت خویش قرار داده است.

تربیت انسان در جامعه صورت می گیرد؛ زیرا انسان مدنی بالطبع بوده و در جامعه با نهادهای خانواده، سیاست، اقتصاد، دین و تعلیم و تربیت سر و کار دارد و هر یک از آنها هنجارها و ارزش های ویژه ای را از فرد انتظار دارند و اینجاست که فرد باید بر اساس فکر و منطق و مقتضیات کنش متقابل تصمیم بگیرد. این مدنی بالطبع بودن انسان سبب شده تا اهمیت و نقش انحصاری تربیت در تحقق فرهنگ و تمدن و رشد و تعالی آن دو بر مربیان و اندیشه ورزان بزرگ پوشیده نباشد، از همین رو، «غزالی» تربیت را پس از پیامبری، شریف ترین کار آدمی خوانده (۲) آنچه در بحث تربیت در اسلام و در مقایسه با مکاتب دیگر قابل بررسی است تفکیک نوع خاصی از انسان در قالب انسان مجاهد است از این رو انسان مجاهد به کسی می گویند که هر آنچه را که از قدرت و توان و طاقت و نیرو به کف دارد، تا آخرین جد وسعت و امکاناتش در راه هدف خود به کار گیرد و در میدان دشواری ها و مشکلات گام بردارد و سرافرازی و تکامل خود را در عرصه پی کارها جستجو کند. (۳) از این رو آنچه ضرورت و اهمیت این مقاله را نشان می دهد این است که مجاهدت و به تبع آن انسان مجاهد، گردانندگان جامعه ی فردا هستند و سر نوشت و سعادت جامعه به سلامت و سعادت آنها گره خورده است و اگر ما بخواهیم نسلی صالح و به قول فارابی مدینه ای فاضله داشته باشیم باید از ریشه به این امر اقدام کرد زیرا توجه به فرهنگ مجاهدت پایه و اساس ایجاد نسل صالح است جامعه ای که در آن مجاهد و فرهنگ مجاهدت پر رنگ باشد به صلابت و سلامت آن می توان امیدوار بود.

به طور کلی پژوهش ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع نشان می دهد که کارهای انجام شده در این زمینه از جنبه های مختلفی به موضوع انسان مجاهد و تاثیرات مختلف آن توجه داشته اند. مصطفی آخوندی کتابی با عنوان فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع درآینه آیات و روایات تدوین کرده است که این کتاب را در پنج بخش «جهاد و دفاع»، «نیروی انسانی»، «اطلاعات و حفاظت»، «طرح و عملیات» و «تجهیزات و پشتیبانی» و در ۱۳۶ عنوان اصلی و ۱۰۳۱ عنوان فرعی سازمان یافته است، در نوع خود کاری نو و ابتکاری است. جواد آقامحمدی (۴) در مقاله ای با عنوان: «بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان» هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان است. یافته های پژوهش نشان می دهند که نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تأثیر مستقیم داشته و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش رابطه بین ساده زیست بودن والدین با تربیت دینی فرزندان را در سطح قابل قبولی نشان داد. همچنین بین سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان آنها اختلاف معناداری مشاهده نشده است. راضیه برزگر و سمیه کاظمی (۵) در مقاله ای با عنوان: «نقش قصه های قرآنی در تعلیم و تربیت نسل جدید» در این مقاله سعی بر آن است تا ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی قصه، اهمیت، انواع، ویژگی ها و ارزش های تربیتی قصه مورد بررسی قرار گیرد، سپس جایگاه، اهمیت و ویژگی های قصه

در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت به شیوه‌ها و تکنیک‌های قصه‌پردازی در قرآن پرداخته می‌شود. نگارنده به این نتیجه می‌رسد که چنانچه قصه‌های آن به نحو مقتضی و متناسب با سن کودک بیان شود، موجب علاقه‌مندی نسل جدید به قرآن خواهد شد، چراکه در دل قصه‌های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه‌های خاص تاریخ نقش بسته است. اکبر صالحی (۶) در مقاله ای با عنوان: «فلسفه آزمایش و ابتلا در قرآن و روایات و نقش سازندگی آن در تربیت انسان» این پژوهش با هدف کنکاشی در فلسفه آزمایش و نقش سازنده آن در تربیت انسان با تأکید بر قرآن کریم و روایت‌های معصومین (ع) صورت گرفته است. اسلام به تربیت همه جانبه انسان توجه دارد. در این میان امتحان الهی، سنتی جاری است که از طریق ابزارهایی تحقق می‌پذیرد.

روش پژوهش:

در این پژوهش نخست به تبیین مفهوم ابتلا، امتحان، فتنه و تمحیص پرداخته و سپس فلسفه و ابعاد امتحان و نقش سازنده آن در تربیت انسان بررسی شده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و قیاس نظری است. نتایج حاکی از آن است که امتحان‌های الهی نقش مهمی در ایجاد انگیزه و پیشرفت، ترفیع درجه، تطهیر گناهان و آگاهی و بیداری برای توبه و بازگشت به خداوند را در پی دارد. مینا شمعی (۷) در مقاله ای با عنوان: «تأثیر تربیت قرآنی بر تبلور کمال انسانی» این نوشتار در صدد است که بعد از بیان چیستی و تعریف کمال انسان، به مبانی کمال و ظرفیت‌های وجودی انسان برای رسیدن به این مقام بپردازد و سپس راهکارهای دستیابی به کمال و نیز موانع آن را بر اساس متون دینی، معرفی کند. نتیجه حاصله از مقاله این است که، رهنمودهای تربیتی قرآن، برای تجلی کمال انسانی و ذکر ویژگی‌های انسان کامل، بخش وسیعی از این کتاب آسمانی را در بر گرفته است آنچه نوآوری این مقاله رو نشان می‌دهد این است که با بررسی پیشینه تحقیق می‌توان بیان داشت که؛ هیچ کدام از این پیشینه‌ها به بررسی موضوع اصلی یعنی بررسی تعریف و ویژگی‌های انسان مجاهد بر اساس آیات قرآن کریم نپرداخته‌اند و با این وجود ضعف عمده و مشترک تحقیقات و تولیدات صورت گرفته، نگاه سوگیرانه و جهت‌دار بوده و از جنبه نقش آموزه‌های قرآنی کمتر تحقیقی صورت گرفته است.

یافته‌ها:

بررسی تعریف مجاهد

مجاهد جمع (ج-ه-د) (فاعل من جاهد) است هرگاه جهاد را از ریشه «جهد» بدانیم، در آن صورت «مجاهد» به کسی می‌گویند که هر آنچه که از قدرت و توان و طاقت و نیرو به کف دارد، تا آخرین حد وسعت و امکاناتش، در راه هدف خود بکار گیرد. و اگر جهاد را از ریشه «جهد» در نظر بگیریم، در رابطه با آن، مجاهد کسی را گویند که با طیب خاطر در فراخنای دشواری‌ها و مشکلات گام بگذارد و برای رسیدن به اهداف خود، در سنلاخ هستی پیش تازد و سرافرازی خود را در عرصه پیکارها جستجو کند. (۸) جهاد و مجاهده

در قرآن کریم به طور عام به معنای جد، جهد، تلاش و تحمل مشقت و سختی‌ها است که البته برترین درجات آن جانبازی و طلب شهادت در راه خدا است. در عرفان عملی مجاهده به معنای وادار کردن خود به تحمل سختی‌ها و مشقت‌ها است که عامل تأثیر در مزاج و ایجاد خستگی جسمانی می‌شود، همان‌گونه که ریاضت به تحمل سختی‌های نفسانی تعبیر شده است (۹). از جهتی اصطلاحاً مجاهد به کسی می‌گویند که هر آنچه را که از قدرت و توان و طاقت و نیرو به کف دارد، تا آخرین جد وسعت و امکاناتش در راه هدف خود به کار گیرد و در میدان دشواری‌ها و مشکلات صحنه نبرد گام بردارد و سرافرازی و تکامل خود را در عرصه پی کارها جستجو کند. مبارزه کلید واژه اصلی انسان مجاهد است.

اصطلاحاً مجاهد کسی است که با جان و نفسش با کفار برای بلندی و اعتلای کلمه الله و پایین آوردن و پست نمودن کسانی کافر شدند و کفر می‌ورزند بجنگد. پیامبر گرامی (ص) در تعریف مجاهد فی سبیل الله می‌فرماید: «من قاتل لتکون کلمة الله هی العلیا فهو فی سبیل الله» (۱۰، ۱۱). یعنی: پیامبر(ص) فرمود: «کسی که برای اعتلای کلمه الله بجنگد، او مجاهد راه خدا است» طبری در تعریف مجاهد فی سبیل الله می‌فرماید: «المجاهدون هم المستفرغون طاقاتهم فی قتال أعداء الله وأعداء دینه» (۱۲). یعنی: مجاهدان آنهایی هستند که نهایت تلاش و توان شان را در جنگیدن با دشمنان خدا و دشمنان دین بکار می‌گیرند. مجاهد با این تفصیل کسی است که در راه الله پیکار کند ولیکن باید شروطی در او جمع شده و شروطی از او دور باشد تا بدو لقب مجاهد داد، ابوالعباس قرافی در این مورد می‌گوید: «هُوَ مَنْ اجْتَمَعَتْ لَهُ الشُّرُوطُ وَالْأَسْبَابُ وَاَنْتَفَتْ عَنْهُ الْمَوَاعِظُ» (۱۳). او کسی است که برایش در او اسباب و شروطی جمع گردد و موانعی از او دور و نفی گردد.

اجتماع شروط و اسبابی مانند: شروط وجوب جهاد برای در حال هجوم کفار و دشمن و آغاز قتال با آنان با این شروط: اسلام، بلوغ، آزادی(برده نباشد)، مرد بودن، استطاعت، عقل و موانعی که باعث نفی جهاد از افراد می‌گردد: کفر، کوچک بودن، دیوانگی، عجز بدنی و مالی و... در خصوص استطاعت مجاهد باید گفت که این استطاعت ذو مراتب است:

نخست: استطاعت و مطیع بودن جسمانی از جهت اینکه سالم بوده و ضعیف و مریض و معلول نباشد. بدلیل این که: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ» (النور: ۶۱). بر (اشخاص صاحب عذر چون) کور و لنگ و بیمار، و بر خود شما (تندرستان) گناهی نیست. بطوری که این کثیر در تفسیر این آیه می‌فرماید: «والمراد: لا إثم علیهم فی ترک الجهاد لضعفهم وعجزهم» (۱۴). یعنی: مراد از این آیه این است که گناهی بر کسی که جهاد را بخاطر ضعف و ناتوانی اش ترک کند نیست. دلیل دیگر این است که بزرگان علمای اسلام فرموده اند: «وَلَأَنْ هُوَ لَا قَدْرَةَ لَهُمْ عَلَى الْقِتَالِ فَلَا يَكْلِفُونَ مَا لَا طَاقَةَ لَهُمْ بِهِ» (۱۵) یعنی: و اینکه آنهایی که قدرتی برای قتال و جنگیدن برایشان نیست تکلیفی برایشان نیست زیرا برایشان توانی بر آن (جهاد) نیست.

دوم: استطاعت مالی است. بر کسانی که نه توان یاری مالی و نه یاری جسمی هست جهاد واجب نیست. زیرا الله می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَى الضَّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمُرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرْجٌ» (التوبة: ۹۱). ترجمه: بر ناتوانان و بیماران و کسانی که چیزی ندارند که آن را صرف جهاد کنند) و با آن خویشتن را برای جهاد آماده سازند) گناهی

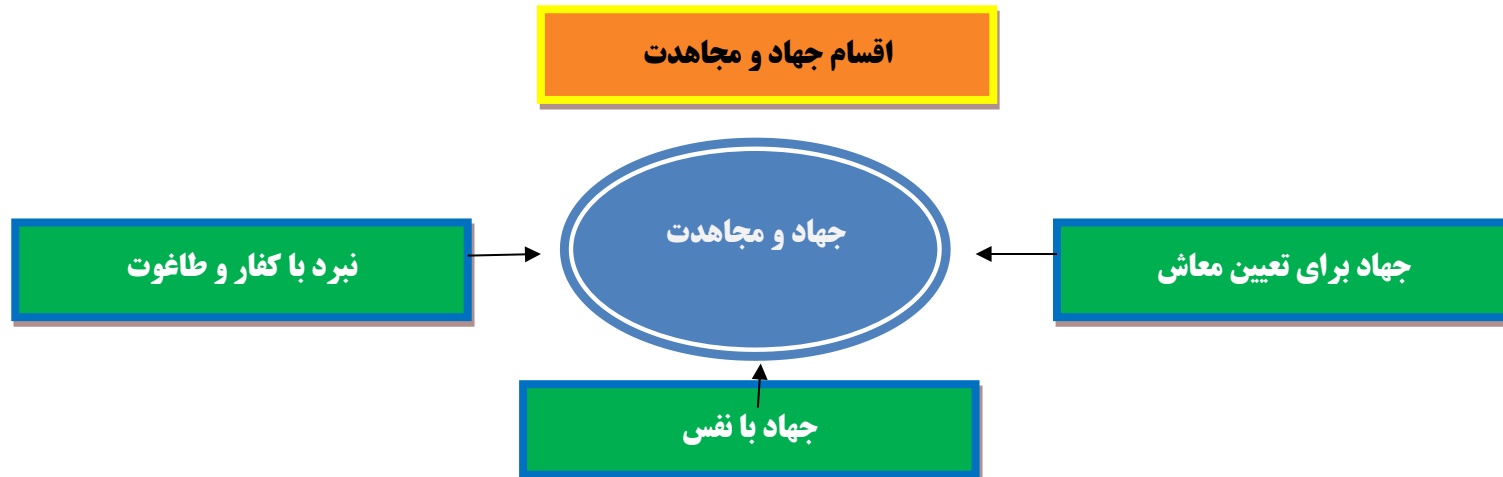
نیست. امام ابن کثیر هم در تفسیر این آیه مبارکه می فرماید: الأعدار التي لا حرج على من قعد معها عن الجهاد في سبيل الله فذكر منها ما هو ملازم للشخص، وهو الضعف الذي لا يستطيع معه الجهاد ومنها ما هو عارض بسبب المرض، أو بسبب الفقر الذي لا يقدر معه على التجهيز للحرب، فليس على هؤلاء إثم إذا قعدوا عن الجهاد في سبيل الله (۱۴).

در واقع ابن کثیر مواردی که جهاد را از شخص ساقط می کند در ذیل همین آیه ذکر می نماید مثلاً می فرماید جهاد بر کسی که توانایی تجهیز برای جنگ را ندارد یا مریض است و ضعیف است و یا فقر دارد واجب نیست و گناهی بر او نیست. با توجه به مطالبی که در خصوص مجاهد و مجاهدت بیان داشتیم تقسیم بندی های مختلفی را می توان بر جهاد و مجاهده بیان داشت ولی در یک تقسیم بندی، جهاد و مجاهده را به موارد کلی زیر می توان تقسیم کرد:

الف) جهاد با نفس در راه اطاعت از اوامر خدا: رسول خدا (ص) می فرماید: مجاهد کسی است که در راه اطاعت از خدا با نفس خود جهاد کند.

ب) تلاش مرد برای تأمین معاش: تلاش برای تأمین معاش از مهم ترین تکالیف و مجاهدات است، چنان که در روایت می خوانیم: «کسی که برای تأمین معاش خانواده خود تلاش می کند، مانند مجاهد در راه خدا است» (۱۶).

ج) نبرد با کفر و طاغوت: در آیه ۱۲۳ سوره بقره می خوانیم: «با کفار قتال کنید به گونه ای که درشتی و سختی را در شما مشاهده کنند».



شکل ۱- نمودار اقسام جهاد و مجاهدت

جهاد و مجاهدت در قرآن و روایات

ریشه «جهاد» و مشتقات آن ۴۱ مرتبه در ۳۶ آیه قرآن کریم به کار رفته است (۱۷) از این موارد در هشت کاربرد مشتقات «جهاد» ناظر به معنای لغوی است و با اصطلاح جهاد ارتباطی ندارد. از این تعداد، در پنج آیه تعبیر **﴿أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ﴾** به کار رفته که به معنای «با نهایت تأکید سوگند یاد کردن» است.

کاربرد ۳۳ مورد دیگر از مشتقات «جهاد» ناظر به معنای اصطلاحی جهاد در قرآن کریم است؛ یعنی به کار بردن نهایت تلاش در مسیر تحقق اهداف الهی. از این تعداد در ۱۱ مورد به همراه «فی سبیل الله» (بقره/۲۱۸؛ نساء/۹۵، مائده/۵۴؛ انفال/۷۲؛ انفال/۷۴؛ توبه/۱۹؛ توبه/۲۰؛ توبه/۴۱؛ توبه/۸۱؛ حجرات/۱۵؛ صف/۱۱)، در ۱۰ کاربرد مقید به «أموال و أنفس» (نساء/۹۵ (دو بار)؛ انفال/۷۲؛ توبه/۲۰؛ توبه/۴۱؛ توبه/۴۴؛ توبه/۸۱؛ توبه/۸۸؛ حجرات/۱۵؛ صف/۱۱)، در دو مورد به همراه «فی سبیل الله» (مائده/۳۵؛ توبه/۲۴)، در یک مورد به همراه «فی سبیلی» (ممتحنه/۱)، در یک مورد به همراه «فی الله» (حج/۷) و در یک مورد به همراه «فینا» (عنکبوت/۶۹) آمده و در بقیه موارد به شکل مطلق به کار رفته است. آیاتی که جهاد با قیود: «فی سبیل الله»، «فی سبیل الله»، «فی سبیل الله»، «فی سبیلی»، «فی الله» و «فینا» در آنها به کار رفته، هدف جهاد را مشخص می‌کند. «سبیل الله» راه حق و خیر و فضیلت است و هرگونه تلاشی در راه دفاع از حق و فضائل و تشویق کردن مردم بر انجام آنها، جهاد فی سبیل الله است (مراغی، بی تا: ۱۰۹/۶).

در واقع وقتی تمام تلاش انسان، معطوف به امور مربوط به خداوند اعم از اعتقاد و عمل می‌شود به گونه‌ای که هیچ عاملی او را از ایمان به خدا و انجام دستورات او باز ندارد، به هدف از جهاد دست یافته است (۱۸). این آیات که هدف از جهاد را مشخص می‌کنند، شامل تمام درجات جهاد می‌شود و اختصاص به جنگ نظامی با دشمن ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۶/۱۱). بلکه گستره‌ای عام دارد و شامل جهاد با نفس، جنگ نظامی و هرگونه تلاشی برای تقویت دین الهی و نصرت مؤمنان می‌شود. لذا جهاد فی سبیل الله با ابزارهای متفاوتی از جمله دست، زبان، قلب، شمشیر، سخن و کتاب می‌تواند محقق شود (۱۹).

آنچه از سیر آیات قرآن و اهمیت جهاد درک می‌شود این است که این فرضیه بسیار حائز اهمیت و شایان توجه است چرا که جهاد در راه خدا، ترازویی برای سنجش ایمان است، به درستی که در آن موقعیت هر کس خود را بهتر از سابق خواهد شناخت و میزان دلبستگی و وابستگی خود را به دنیا و آنچه در اوست، خواهد دانست، در راه خدا از جان گذشتن ارزشی بسیار دارد، تا جائی که وقتی حضرت امیرالمؤمنین (ع) برای حفظ پیامبر خدا از جان خویش می‌گذرد، این آیه شریفه در شأن او نازل می‌شود: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره: ۲۰۷)؛ هر چند سابقه جهاد و مجاهدت به سالهای قبل تر نیز برمی‌گردد در این زمینه حدیثی از رسول خدا نقل شده است که می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ حَيْثُ أَسْرَتِ الرُّومَ لُوطًا، فَفَرَّ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَاسْتَنْقَذَهُ مِنْ أَيْدِيهِمْ؛ اولین کسی که در راه خدا قتال و جنگ

نمود، ابراهیم خلیل بود، هنگامی که لشکریان روم، لوط را به اسارت گرفتند، پس ابراهیم به کمک او شتافت (جنگ کرد) و او را از دست آنها نجات داد» (۸، ۲۰). در همین راستا از حضرت امام صادق (ع) نیز نقل شده که: عن جعفر عن ابیه (ع) قال: «أَوَّلُ مَنْ قَاتَلَ إِبْرَاهِيمَ (ع) حَيْثُ أُسْرَتِ الرُّومُ لُوطًا، فَتَفَرَّ إِبْرَاهِيمُ (ع) حَتَّى اسْتَنْقَذَهُ مِنْ أَيْدِيهِمْ...» (۲۱). حضرت امام صادق از حضرت امام محمد باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود: «اولین کسی که قتال کرد، ابراهیم (ع) بود، هنگامی که لشکریان روم، لوط را به اسارت گرفتند، پس از آن ابراهیم پیش رفت تا آنکه او را از دست آنها نجات داد». بنابر این دو موضوع جهاد و مجاهدت ارتباط تنگاتنگی با اصطلاح مجاهد دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (الروم/۴۷) «و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما!» از وعده‌های قطعی و تخلف‌ناپذیر الهی، یاری رساندن به مؤمنان مجاهد و رزمندگان خستگی‌ناپذیر در برابر قدرت‌های اهریمنی و دشمنان اسلام است.

«وَلْيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (الحج/۴۰) «و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.» از نظر قرآن کریم، هرگاه مؤمنان، در راه خدا و برای خشنودی پروردگار خویش به مجاهدت و کوشش دست یازند و از عوامل و اسباب مادی که در اختیار دارند بهره‌گیرند، خداوند نیز آنان را یاری می‌کند. این امداد و یاری، در حقیقت، یک سنت الهی است که در همه زمان‌ها شامل حال همه مؤمنان مجاهد می‌گردد (۲۲). فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (النساء/۷۴) «کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.» چون مؤمن و مجاهد در راه خدا، ناگزیر باید اخلاق در رفتارشان، صبغه ایمان و رنگ خدایی داشته باشد؛ زیرا میان ایمان به خدا و سجایای اخلاقی، پیوندی ناگسستنی است و بخشی از ایمان را اخلاق نیکو تشکیل می‌دهد و با نبود یا کمبود آن، ایمان کامل نخواهد بود (۲۳). رمز تقدس و ارزشمندی جهاد و دفاع در اسلام است. در یک جمله می‌توان گفت: «در راه خدا جنگیدن»، اساسی‌ترین ویژگی جنگ در اسلام است که صف «مؤمنان مجاهد» را از صف «طاغوتیان جنگجو» جدا می‌کند. قرآن کریم به صراحت به این مطلب اشاره می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ» (نساء: ۷۶) کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آنان که کافرند در راه طاغوت (۲۲). به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام، «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ، وَ عِزُّ الدِّينِ، وَ سَبْلُ الْأَمْنِ، وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ.» رزمندگان زینت حاکم اسلامی و مظهر عزت و اقتدار اسلامند که بسان دژی نفوذناپذیر، ضمن حفظ امنیت کشور، به ملک و ملت، قوام می‌بخشند و جز با وجود آنان، حکومتی پایدار نخواهد ماند. (۲۴)

کاشف الغطاء، نافع و مؤثر بودن مجاهد را در زمره شرایط مجاهدان در جنگ برشمرده است. (۲۵) احتمالاً مراد وی این است که فرد دارای ویژگی‌هایی مانند شجاعت، رازداری، صبر و استقامت باشد. اگر این احتمال را بپذیریم، چنین ویژگی‌هایی از لوازم شرکت در کارزار است نه از شرایط وجوب جهاد. مجاهد برای حضور مؤثر در نبرد، باید به این ویژگی‌ها آراسته گردد و آنها را در خود تقویت کند. البته اگر حضور فردی در جهاد ناخواسته باعث زیان روحی مجاهدان شود، شاید بتوان گفت که حضورش در جهاد جایز نیز نیست.

با بررسی های تفاسیر علمای تفسیر در مورد مجاهدت، می توان به تفاوت مجاهدت با جهاد پی برد که جهاد با مجاهدت تنها در این مسأله تفاوت دارد که مجاهدت به معنای غلبه یافتن بر هوای نفس و خواسته های آن و درگیری با گرایشها و تمایلات آن از باب غلبه یافتن بر آن است. نفس وقتی قوی و غالب گشت، بر صاحبش حاکم می گردد و او را به مهلکه ها و لغزشگاهها سوق داده، از مقام و مرتبه ای انسانی که دارای معنایی والا و رفیع است به مرتبه ای پست تر از حیوانات متحول می سازد... پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از مراجعت از جهاد با دشمن که خداوند او را یاری نمود، به جهاد و غلبه بر نفس فراخواند و آن را جهاد اکبر نامید. انسان با دشمن خودیک یا دو بار می جنگد - یا بگوئیم چند بار- که گاهی بر او پیروز می شود و گاهی شکست می خورد، و شاید در هر دو حالت دنیا و آخرتش را یا آباد و یا تباه می کند؛ اما جهاد با نفس، همیشگی است و در هر لحظه ی عمرش استمرار دارد؛ از لحظه تولد تا پایان عمرش با اوست (۳).

ویژگی های انسان مجاهد از منظر قران و روایات: انسان مجاهد دارای ویژگی های فراوانی می باشد که تلاش داریم در این قسمت بدانها بپردازیم.

ترجیح آخرت به دنیا

همان گونه که در دین مبین اسلام بیان شده است دنیا دار فانی بوده و فی نفسه ارزش زیادی ندارد بلکه محلی برای کسب ذخایر آخرت به حساب می آید از این رو آیات فراوانی در وصف بی ارزش بودن دنیا مطرح شده و از کسانی که دنیای خود را در راه خدا و آخرت از دست می دهند به نیکی یاد شده است از این رو می توان بیان داشت که یکی از ویژگی های رزمندگان و مجاهدان واقعی اسلام، برگزیدن و مبادله کردن زندگی جاودانه آخرت بر زندگی این جهان است قرآن مجید در این باره می فرماید: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا؛ پس کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می کنند باید در راه خدا بجنگند؛ و هر کس که در راه خدا پیکار کند، پس کشته یا پیروز شود، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد. این آیه که با زبان معامله و خرید و فروش (یشرون) سخن می گوید، برای همگان قابل فهم بوده و کسانی را که سودای فروش دنیا در مقابل نعمت های ابدی آخرت در سر دارند، به پیکار و جهاد فی سبیل الله فرا می خواند» (نساء: ۷۴).

همچنین در آیه دیگر از قرآن بدین صورت می فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا. دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ مؤمنان خانه نشسته [و به جهاد نرفته] که ناراحتی و زبانی ندیده اند با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود می جنگند، یکسان نیستند. خداوند کسانی را که با اموال و جان های خود [بر علیه دشمن خدا] جهاد می کنند بر خانه نشستگان، به درجه ای [مهم] برتری بخشیده، و همه را خدای متعال وعده [پاداش] نیکو داده، [اولی] مجاهدان را بر خانه نشستگان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده است؛ [آن پاداش بزرگ] مرتبت ها و آموزش و رحمتی از جانب او است، و خدا آمرزنده مهربان است» (نساء: ۹۵).

با بررسی آیات قرآن در وصف جهاد و مجاهدان می‌توان تحلیل نمود که این آیات شریفه دلالت دارند بر این که تا زمانی که انسان در انتخاب دنیا و آخرت، زندگی در جهان مادی و سرای دنیا را برگزیند و به دنیا و آنچه در آن است تعلق داشته باشد نمی‌تواند در صف مجاهدان واقعی قرار گیرد و آماده چنین معامله‌ای گردد. البته روشن است که مراد از این سخن، دل‌کندن از دنیاست، نه ترک ظاهری آن و ترک استفاده از وسایل مورد نیاز زندگی، بی‌شک چنین کسانی که حاضر شده‌اند دنیا و جانشان را به جهان معنویت بی‌کران آخرت از دست بدهند هرگز با مقاصد پست و آرمان‌های توسعه طلبانه آلوده نخواهد شد (۲۶). این موضوع نشان می‌دهد که یکی از بارزترین ویژگی‌های انسان مجاهد گذشتن از دنیا و زندگی دنیوی می‌باشد عدم تعلق به این دنیا سبب خواهد شد تا تفاوت انسان عادی با انسان مجاهد به وضوح روشن گردد.

داشتن ایمان قوی

در ساختار اخلاق اسلامی، ایمان به عنوان عالی‌ترین صفت نفسانی هدایت‌گر مورد تأکید فراوان واقع شده است و به همین دلیل تحصیل مبادی و مقدمات آن همانند علم و یقین نیز به شدت مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است. در بیان منزلت و جایگاه رفیع ایمان همین بس که پیامبر (ص) در نصایح خویش به ابودر، هیچ چیز در نزد خداوند، محبوب‌تر از ایمان به او و خوداری از آنچه نهی می‌کند نیست (۲۷). ایمان سرآمد باورهای دینی و ریشه همه معنویات است. ایمان اساسی‌ترین گام در راه اخلاق و معیار تمام ارزشهای انسانی و حلقه ارتباط با خداست. ایمان سرچشمه توانایی، قدرت، پایمردی، دلیری، توکل و اعتماد به نفس است و بزرگترین عامل پیروزی بر مشکلات محسوب می‌شود (سخنرانی امام خمینی (ره)، مورخه ۱۳۵۹/۲/۲۵). ایمان تسلیم توأم با اطمینان خاطر است. قرآن مجید ایمان به معنی علم را تأیید نمی‌کند. زیرا آنان را که علم دارند ولی تسلیم عقیده خویش نیستند، کافر می‌شمارد: «وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ». از روی ستم و عصیان منکر آنها شدند، اما ضمیرهایشان بدان یقین داشت، بنگر عاقبت مفسدان چسان بوده است» (نمل: ۱۴). پس ایمان به معنی اعتقاد و تصدیق نیست. زیرا در این صورت باید این اشخاص مؤمن باشند. بلکه ایمان به معنی تسلیم است. مؤمن کسی است که به حق تسلیم باشد و آن با عمل توأم است و بدون آن مصداق ندارد. از طرف دیگر هر قدر اعتقاد قوی باشد تسلیم محکم خواهد بود، شدت و ضعف ایمان و دارای مراتب بودنش از این روشن می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۲۲-۱۲۴). در آیاتی که به موضوع جهاد پرداخته شده است، امر به جهاد را پس از بیان مرحله ایمان ذکر کرده است: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ». آن تجارت این است که به خدا و رسولش ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جانهایتان جهاد کنید این برای شما خیر است اگر بدانید.» (صف ۱۱).

از آنجا که انگیزه دفاعی در پرتو اعتقاد و عشق صادقانه به خدای متعال بارور می‌شود، جوهر مقاومت و حماسه نیز با تجلی قدرت در اراده و قلب انسان مجاهد تکون می‌یابد. باید پذیرفت که هویت دفاعی در فرهنگ جامعه تنها در مدار خداباوری و ایمان و توکل به خدا تحقق پیدا می‌کند.

مجاهدان صدر اسلام به این خصلت و ویژگی الهی مسلح بوده و همین ایمان و اعتقاد راسخ بود که آنان را در نبردهای گوناگون پیروز می‌ساخت و هیچ عامل دیگری را نمی‌توان جایگزین آن کرد. مجاهدان مسلمان با تکیه بر ایمان آگاهانه، در بسیاری از غزوات و سریه‌ها با آنکه هم به لحاظ نیرو و هم به لحاظ تجهیزات در تنگنا بودند، باز بر سپاه کفر پیروز شدند. حضرت امام خمینی (ره) سر پیروزی مجاهدان صدر اسلام را همین ایمان به خدا می‌داند (۲۴). لازم به ذکر است همان‌گونه که قوت ایمان سبب پیروزی است ضعف ایمان هم موجب شکست و ناکامی خواهد بود. چنانچه در جنگ احد ضعف ایمان و سستی برخی از مسلمانان، سبب مغلوب شدن لشکر اسلام و شهادت بیش از هفتاد نفر از یاران رسول خدا (ص) گردید. سپاهیان اسلام عقیده‌ای استوار داشتند و ثبات و پایداریشان ناشی از همین ایمان قوی بود. این نیروی ایمان بود که آنان را وامی‌داشت هرگونه ملاحظه و خویشاوندی را کنار نهاده و روی در روی نزدیکترین خویشاوندان خویش بایستند. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاؤَنَا وَإِخْوَانَنَا وَاعْمَامَنَا؛ مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيْمَانًا... ما همراه رسول خدا (ص) با پدران، فرزندان، برادران و عموهایمان جنگیدیم؛ این خویشاوندکشی، ما را ناخوش نمی‌نمود - بلکه برایمانان می‌افزود...» پس از غزوه بنی مصطلق، پسر عبدالله ابن ابی (سرکرده منافقان) نزد رسول خدا (ص) آمد تا اجازه قتل پدرش را به جرم فتنه انگیزی در سپاه اسلام بگیرد، اما پیامبر رحمت (ص) به او فرمود: «ما با او مدارا خواهیم کرد.» (۲۸). بدون شک تنها نور ایمان باعث می‌شد که مجاهدان صدر اسلام بر قلعه‌های رفیع ارزشها صعود نمایند و برای ماندگاری اسلام از نزدیکترین خویشان دل شویند. پس می‌توان ویژگی بسیار مهم دیگر که برای مجاهدان قابل تصور و بسیار حائز اهمیت دانست ایمان قلبی است ویژگی‌ای که سرچشمه تمام کمالات و اخلاق و ویژگی‌های پسندیده دیگر مجاهدان می‌باشد.

بر خور داری از روحیه توکل بر خداوند متعال

توکل به خداوند متعال از ارزشهایی است که قرآن کریم رزمندگان مسلمان را بارها بدان توصیه می‌کند (آل عمران: ۱۲۲ و ۱۶۰؛ توبه: ۵۱). توکل دستاورد و از ارکان و پایه‌های ایمان و معرفت انسان مؤمن است و هر چه ایمان و معرفت مؤمن به خداوند بیشتر و خالص‌تر باشد، اتصال و درجه اتکا و توکلش نیز قوی‌تر خواهد شد. وقتی رزمنده مسلمان قلب خود را با رابطه‌های اتکا و توکل به دریای قدرت و عظمت الهی متصل نماید، اراده و روحیه‌اش چنان قدرتمند می‌گردد که مغلوب هیچ عاملی نمی‌شود. شهید مطهری می‌نویسد: «جهاد و توکل مکمل یکدیگرند. جهاد، حمایت و پشتیبانی انسان از حق است و توکل در جهاد، اعتماد به حمایت و پشتیبانی خداوند از انسان.» (۲۹). توکل به خداوند متعال به عنوان یک اصل در سیره جهادی مجاهدان صدر اسلام تجلی داشت. رزمندگان مسلمان و خداجوی در نبردهای مقدس خویش علیه دشمنان، همه تلاش و کوشش خود را با اخلاص به کار می‌گرفتند؛ در عین حال نصرت و پیروزی را تنها از جانب خدا دانسته و فقط بر او توکل می‌کردند و در مقابل قدرت الهی تمام قدرتها را ناچیز و بی‌اساس می‌انگاشتند.

امام مجاهدان و پیشتاز سلحشوران اسلام، حضرت علی (ع)، توکل را رمز شیردلی رزمندگان جبهه حق دانسته است (۳۱). این مؤلفه، شکوه و جلالی وصف ناشدنی به مقاومت رزمندگان دلیر اسلام می‌بخشید. ایستادگی عده کمی با ابزارهای ناچیز و مقاومت در برابر دشمن تا به دندان مسلح، بدون

ایمان و توکل به خدا و عنایت او محال و غیر ممکن بود. توکل به حضرت حق و کسب مدد از او، شور و شوق مقاومت بر جان مجاهدان اسلام می‌افکند و شرنگ شکست و ناکامی را در کام کفار و دشمنان می‌ریخت. جریان تاریخی «حمرا الاسد» نقش توکل بر خدا را در میان مجاهدان کاملاً روشن می‌سازد (۳۲). در جنگ احد مسلمانان پس از به جای گذاشتن شهدای بسیار، با بدنهای زخمی مراجعت نمودند ولی ابوسفیان در پی نابودی کامل مسلمانان بود. در نتیجه رسول اکرم (ص) از طرف خداوند مأمور شد به همراه همان مجروحان، دشمن را تعقیب نماید. با دستور رسول الله مجروحان از جمله دو برادر به سوی لشکر دشمن حرکت کردند. چون یکی از این دو برادر حال مساعدی نداشت، برادرش او را بر دوش کشید تا خود را به یاران پیامبر برسانند و به ندای رسول الله لبیک گویند. آری مجاهدان صدر اسلام، چنین مردانی الهی بودند که از بسترهای بیماری، با بدن آغشته به خون راهی میدان جنگ می‌شدند تا دین خدا و رهبرشان رایاری کنند (۳۲). این مجروحان در حالی به ندای رهبر خود لبیک گفتند که منافقان شیطان صفت آنان را از مقابله با لشکریان ابوسفیان می‌ترساندند؛ ولی این مجاهدان نستوه چنان توکلی بر خدا داشتند که نه تنها وسوسه‌ها خللی در اراده آنها ایجاد نکرد، بلکه برایمانشان افزود و در پاسخ شیطنت منافقان، پاسخ دندان شکن «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» دادند؛ یعنی ما فقط به خدا وابسته و دل بسته‌ایم و او برایمان کافی است (آل عمران: ۱۷۲). اوج ایمان و توکل این عزیزان چنان وحشتی در سپاه ابوسفیان انداخت که از ترس فرار را بر قرار ترجیح دادند و دین اسلام و مسلمانان از خطری بزرگ ایمن ماندند. با بررسی این آیات و روایت در خصوص توکل بر خدا در کارها و جهاد می‌توان ویژگی برجسته‌ی دیگری که برای مجاهدان قابل تصور است را توکل بر خداوند دانست ویژگی که می‌توان سبب برجستگی آنها از دیگر گروه‌ها گردد.

امید داشتن به رحمت الهی

انسان دارای قوای ظاهر و باطن است که با به کارگیری آنها شخصیت او شکل می‌گیرد. هدف غایی او قرب الی‌الله می‌باشد. در واقع، انسان در مسیر حرکت از ضعف به کمال و برای رسیدن به هدف نهایی خود نیاز به تربیت الهی یا وحیانی دارد. او در فرایند تربیت الهی با مسائل فراوانی روبرو می‌شود. توفیق در این راه نیازمند هدایت، فعالیت، صبر، توکل و امید است (۳۳).

از آنجا که مهمترین اصول اعتقادی اسلام ایمان و عقیده به توحید، نبوت و معاد می‌باشد. این اصول پایه دریافت اسلام را تشکیل داده و انسانی که اعتقاد به تربیت دینی و اخلاقی دارد هرگز اجازه نمی‌دهد تا ناامیدی به سراغش بیاید و روح او را بیزار سازد بدین ترتیب اعتقاد به خداوند موردپذیرش او موجب ادامه زمینهای رفتاری مؤمن در زندگی می‌شود (۳۴). از طرفی مسأله امید و امیدواری به آینده در قرآن و روایات به دفعات متعدد و به شیوه‌های مختلف، بیان گردیده است و قرآن این نسخه شفابخش الهی که بنا به تصریح خود، کتاب هدایت و راهنمایی سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه است (یونس: ۵۷). بارها انسان را به امید و امیدواری تشویق و ترغیب نموده است که با توجه به آیات امیدآفرین قرآن این کتاب مقدس را با توجه به نام‌های مبارکی که بر آن نهاده‌اند (۳۵).

امید در قرآن و روایات، حالتی نفسانی است که فرد امیدوار را به تلاش جدی وادارد. امید در زندگی دنیوی و اخروی نقشهای شگرفی دارد. در قرآن و روایات نیز فرد با امید به نصرت الهی، به آرامش در زندگی و تربیت خود دست می‌یابد با توجه به قرب و ارزش امید و امیدواری به درگاه خداوند اکنون می‌توان بیان داشت که یکی دیگر از ویژگی‌ها و صفات مجاهدان فی سبیل الله این است که آنان امید به رحمت الهی دارند خود را مستحق و سزاوار رحمت الهی نمی‌دانند، رحمت الهی در دنیا، نصرت و پیروزی است و در آخرت پاداش است (۳۶). قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «... وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ...؛ کسانی که در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند.»

بر خور داری از عدالت و هدایتگری

انسان‌های خود ساخته، هرگز در حصار خودخواهی محصور نمی‌مانند، دیگر دوستی و دغدغه هدایت دیگران داشتن، لازمه تعالی نفس است. آنان که روح متعالی دارند، تنها به نجات خویش نمی‌اندیشند، بلکه درباره ضلالت و گمراهی هموعان خویش نیز احساس مسئولیت می‌کنند، و گاهی تا آنجا پیش می‌روند که خویش را به مشقت می‌اندازند و جان خویش را در معرض خطر نابودی قرار می‌دهند. در این زمینه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برترین و کامل‌ترین آفریده خدا، عالی‌ترین درجه حساسیت گمراهی دیگران و والاترین اشتیاق و تلاش برای هدایت و نجات آنان را از خود بروز داده است. تا آنجا که خداوند رحمان او را تسلی می‌بخشد و مهربانانه می‌فرماید: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى: ای پیامبر! ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم که، این قدر به مشقت و رنج دچار شوی.» (طه: ۱-۲). «لَعَلَّكَ بَآخِئِ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ: شاید تو از این که مردم ایمان نمی‌آورند، جان خود را تباه کنی.» (شعراء: ۳). آنان که شیرینی حق را چشیده‌اند و شکوه عدالت را دریافته‌اند، مصرانه برای هدایت دیگران به سوی حقیقت می‌کوشند، و صادقانه با اتکالی به حق، در رعایت عدالت تلاش می‌کنند. آنان که، خود حق را یافته‌اند، تشنه رهایی دیگران به حق هستند، و آنان که عدالت را در درون خویش تثبیت کرده‌اند، به تحکیم آن در متن جامعه می‌اندیشند. پس یکی از مهمترین ویژگی‌های انسان مجاهد که بسیار حائز اهمیت است را برخورداری وی از عدالت و هدایتگری می‌دانند چرا که آرزوی واقعی انسان مجاهد تحقق عدالت خداوند در روی زمین و هدایت انسانها می‌باشد.

نماز گزار بودن

نماز، والاترین جلوه بندگی خدا، با شکوه ترین معراج عابدان پروردگار، ارجمندترین فصل کتاب عرفان و ایمان است. آنان که به کتاب الهی باور دارند، و آن را در همه مراحل زندگی راهنمای خود می‌گیرند، با برپایی نماز است که شایستگی اصلاح گری پیدا می‌کنند و در کلام خدا «مصلح» شمرده می‌شوند: «وَالَّذِينَ يَمَسُّونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّينَ: کسانی که به کتاب خدا تمسک می‌جویند و بر پادارنده نماز هستند، (بدانند که در زمره مصلحان هستند) و ما هرگز اجر مصلحان را از بین نمی‌بریم» (اعراف: ۱۷۰). اصلاح‌گران عصر موعود نیز چنانند که به محض قدرت یافتن در زمین، به فکر برپایی نماز می‌افتند، و یکی از اولین برنامه‌های دولت کریمه خویش را گسترش فرهنگ نماز و زمینه سازی برای اقامه همگانی آن قرار می‌دهند.

به راستی، اگر قرار است در دوران حاکمیت اسلام، ریشه فساد و تباهی بخشکد و منکرات و کردارهای ناروا در جامعه محکوم و ممنوع شود، چه عاملی قوی تر از نماز می تواند در دستور کار متصدیان امور و برنامه ریزان فرهنگی جامعه قرار گیرد؟ نمازی که خداوند آن را بازدارنده از فساد و فحشا و منکر به شمار آورده است: «أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» نماز به پادار، که همانا نماز از کار زشت و ناپسند و نکوهیده باز می دارد» (عنکبوت: ۴۵).

امام باقر (علیه السلام) درباره کسانی که حکومت و قدرت را در راه برپایی نماز به خدمت می گیرند: فرمود: «الذین إن مکنهم فی الارض اقامو الصلوة و...» این آیه درباره خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حضرت مهدی (علیه السلام) و اصحاب اوست که خداوند آنان را به حکومت و سلطنت بر همه شرق و غرب زمین می رساند و دین را به وسیله آنان پیروز می گرداند و به دست او و اصحابش، بدعتها و باطلها را می میراند» (۳۷). از همین فرمایش امام باقر (علیه السلام) نیز می توان استفاده کرد که برپایی نماز، انفاق، امر به معروف و نهی از منکر که در آیه شریفه مورد تأکید قرار گرفته اند، راز پیروزی دین و راه از بین بردن بدعتها و باطلها در هر جامعه ای به ویژه در جامعه پس از ظهور خواهد بود؛ اما می توان توجه به نماز و نماز اول وقت از ویژگی های خاصه و بسیار مهم مجاهدان تلقی می گردد مجاهدانی که حتی در صحنه جنگ و نبرد دشمن فریضه نماز را به جا آورده و بدان توجه نموده اند.

تحمل و پایداری در برابر سختی های مبارزه

انسان برای مقابله با حوادث و ناملازمات زندگی، در عین حال حفظ سلامت روانی خویش و توانایی ادامه حیات پر شور و نشاط، نیازمند صبر است، به طوری که باید در هیچ شرایط تسلیم نشود و با درایت و تلاش گره ها را بگشاید. در این راستا منظور از مقاومت و پایداری تحمل عاجزانه نیست و معنی حقیقی آن استقامت در کوران حوادث و در برابر گناهان و شداید می باشد که باعث ایجاد روحیه قوی در راه اهداف عالی انسان و انجام وظیفه می شود (۳۸). از این رو می توان بیان داشت که صبر و استقامت فی نفسه ارزش تلقی شده و نقش بسیار مهمی در زندگی انسان بازی می کند و یکی از ویژگی های بسیار مهم مومنان تلقی می گردد. لذا با توجه به مطالب فوق می توان بیان داشت که از دیگر ویژگی های مبارزان و پیکارگران راه حق، تحمل و بردباری سرشار آنان در برابر ناگواری ها و سختی های ناشی از جهاد است که آن را با جان و دل پذیرا هستند و در راه مبارزه با دشمن از هیچ کوششی دریغ نداشته اند (۳۹) و ندارند که به شهادت تاریخ مجاهدان صدر اسلام نیز، صبر و تحمل ورزیده اند و در بساری از موارد دشواری های نبرد را بر خود هموار می ساختند، به همین سبب خداوند درباره ایشان فرمود: «و لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ...؛ بدون شک خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار نمود که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند. بنابراین جهاد گران با داشتن چنین صفاتی می توانند در راه خدا اقدام به جهاد کنند خداوند با داشتن آن صفات خریدار جان و مال آنان است و به بهای آن بهشت جاودان را می دهد.

برخورداری از روحیه امر به معروف و نهی از منکر

عظمت و ارزش بی بدیل امر به معروف و نهی از منکر آن قدر است که، خدای تعالی خود را نیز امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر می‌شمارد و با تعبیری ویژه و تأکیدآمیز در قرآن کریم، ویژگی امر به معروف و نهی از منکر را صفت مستمر و مداوم خویش ذکر می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: همانا، خداوند به عدالت و نیکوکاری و رسیدگی مالی به خویشاوندان فرمان می‌دهد، و از کار زشت و ناپسند و ستمگری باز می‌دارد، به شما اندرز می‌دهد، باشد که متذکر شوید» (نحل: ۹۰). ذکر عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان به عنوان مصادیق «معروف» و ذکر فحشا و ستمگری در کنار «منکر» آن چنان دامنه گسترده‌ای به امر به معروف و نهی از منکر الهی می‌بخشد که، می‌تواند در تبیین کلی مبانی ارزشی و ضد ارزشی جامعه اسلامی مؤثر باشد. از طرفی چون سخن از صفات نامتناهی پروردگار است، هر بنده‌ای به هر میزان که در مسیر چنین امر به معروف و نهی از منکر تلاش و پیگیری داشته باشد، می‌تواند درجه‌ای از درجات بی‌پایان تخلق به اخلاق الله را کسب نماید.

در حقیقت راز خداگونگی انسان‌های عصر ظهور در همین ویژگی‌های آنان نهفته است. آنان که رستگارانند و بهترین امت‌های تاریخ بشری به شمار می‌آیند، برای همین امر به معروف و نهی از منکر است که چون تاسی به خدای تعالی است، در قرآن کریم رمز رستگاری شمرده شده و دلیل برتری و شرافت امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شمار آمده است. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: و باید از میان شما، گروهی باشند که دیگران را به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان همان رستگارانند» (آل عمران: ۱۰۴).

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۗ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید، (از آن رو) که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و ایمان به خدا دارید» (آل عمران: ۱۱۰). به فرمایش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) راز خلافت الهی انسان‌های دوران پس از ظهور نیز در همین امر به معروف و نهی از منکر است.

مسئولیت پذیری مجاهدان

از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود (۴۰)، مهم آن است که مسئولیت‌ها را به خوبی بشناسیم و در مقام عمل به وظیفه خود عمل کنیم. حس مسئولیت، گاه در برابر خود انسان است که تقوا و ترس از خدا بارزترین نمونه آن است. تقوا، احساس مسئولیت از درون را افزایش می‌دهد و انسان مجاهد، همواره یک پلیس معنوی را در درون جان خود حاضر می‌بیند. به همین خاطر در خلوت و تنهایی، همانند زمانی که در منظر دیگران است، در انجام تعهدات و مسئولیت‌های خویش کوتاهی نمی‌کند و در همه حال خدا را شاهد بر اعمال خویش می‌داند و گاه در برابر افراد و محیط پیرامون خویش است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

آمادگی برای دفاع در برابر ظالمان و ستمگران از جمله مهم‌ترین وظایف مجاهدان در برابر زورگویان و حکومت‌های ستمگر است قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (انفال: ۶۰)؛ «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به‌وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید». معروف است که درایام جنگ «حنین» به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند که سلاح تازه مؤثری در «یمن» اختراع شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله بی‌درنگ کسانی را به‌یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند (۴۱).

اطاعت از رهبری و ولایت و رهبری الهی

«عَنِ الرَّضَا فِي كِتَابِهِ إِلَى الْأُمَمُونَ قَالَ: وَالْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ وَمَنْ قَاتَلَ فُقُتِلَ دُونَ مَالِهِ وَرَحْلِهِ وَنَفْسِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَلَا يَحِلُّ قَتْلُ أَحَدٍ مِنَ الْكُفَّارِ فِي دَارِ التَّقِيَّةِ إِلَّا قَاتِلًا أَوْ بَاغٍ وَذَلِكَ إِذَا لَمْ تَحْذَرْ عَلَى نَفْسِكَ وَلَا أَكُلْ أَمْوَالَ النَّاسِ مِنَ الْمُخَالِفِينَ وَغَيْرِهِمْ وَالتَّقِيَّةُ وَاجِبَةٌ وَلَا حَنْثَ عَلَى مَنْ حَلَفَ تَقِيَّةً يَدْفَعُ بِهَا ظُلْمًا عَنْ نَفْسِهِ (۴۲)؛ امام رضا «ع» در نامه‌ای که به مأمون نوشت، فرمود: جهاد به همراه امام عادل، واجب است و هر کس بجنگد و در راه حفظ مال و جان خود کشته شود، شهید است، و کشتن احدی از کفار در دارالتقیه جایز نیست مگر کسی که قاتل یا آشوبگر باشد و این زمانی است که خطری تو را تهدید نکند و سبب تعدی و تجاوز به اموال مخالفان و غیر آن نگردد و تقیه در دارالتقیه واجب است و کسی که از روی تقیه، قسم می‌خورد تا ظلمی را از خودش دفع کند، گناهی مرتکب نشده است. «از آنجا که دین اسلام، بر مبنای نظم فردی و اجتماعی پایه‌گذاری شده، در جنگ‌ها و حرکت‌های نظامی که ضرورت پابندی به نظم تشکیلاتی و سازمانی افزایش می‌یابد، اطاعت از رهبری یکی از شرایط مهم بشمار می‌رود. چنان که پیامبر اکرم «ص» در برابر سؤال اصحاب از شهادت مردی اشجعی، که پس از فرمان رسول الله مبنی بر منع حمله به قلعه‌ی ناعم در جنگ خیبر اقدام به مقاتله کرده و کشته شده بود، صراحتاً فرمودند جارچی جار بزند که هر کس از فرمان سرپیچی کند بهشت بر او روا نخواهد بود (۴۲). این سخن به خوبی بیانگر اهمیت قضیه است.» به طور کلی هر اقدام خودسرانه با هر انگیزه و نیتی نمی‌تواند زمینه‌ساز شهادت باشد. لازم به ذکر است، در شرایطی که حاکمیت جامعه به دست حکام جور است، اگر کسی در هر سطحی در راه عمل به تکلیف و اقامه‌ی عدل و قسط و امر به معروف و نهی از منکر، قیام کند و کشته شود «شهید» محسوب می‌گردد. بنابراین یکی دیگر از ویژگی‌های مجاهدات ولایت مداری و اطاعت از رهبری الهی در جهاد و مبارزه می‌باشد.

ظلم ستیزی

ظلم به معنای هر گونه تجاوز از حق است. ظلم ستیزی اسلام دو بخش دارد: «ظلم نکردن» و «زیر بار ظلم نرفتن». حکما ظلم را سه قسم کرده‌اند: ظلم میان انسان و خدا، انسان و نفس، انسان و سایر مردم (۴۳). در قرآن در آیات متعدد به ظلم اشاره شده است. خداوند ظالمان را دوست نمی‌دارد (وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ: (آل عمران: ۵۷). ظالمان در مسیر هدایت الهی قرار نخواهند گرفت (كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا

يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ: (آل عمران ۸۶). ظالمین به طور قطع نابود خواهند شد (وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ: (ابراهیم: ۱۳). تنها فریاد ستم‌دیده‌ای که برای ظلم ستیزی بلند شود را خداوند دوست دارد (لا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا: (نساء: ۱۴۸). دشمن در تجاوز خود به آرمانها و اهداف اسلامی مرتکب ظلم می‌شود. داشتن روحیه ستیز و مخالفت با ظلم دشمن برای انسان جهادی لازم است. دشمن می‌تواند معنای وسیعی داشته باشد. کسی که حیات طرف مقابلش را نشانه برود، صرف‌نظر از اینکه منظور از آن حیات، زندگی مادی یا هدایت معنوی باشد و یا اینکه به هدف خود نایل بشود یا نشود و یا اینکه کار خود را با واسطه یا بی‌واسطه انجام دهد. منطق وجودی و ثبوتی یک دشمن، جهل است، بنابراین تا وقتی که جهالت وجود داشته باشد، دشمن و دشمنی نیز خواهد بود (۴۴). از ارکان نظام شناختی انسان، شیطان است که انسان را به شر و معصیت دعوت می‌کند. شیطان نسبت به صراط مستقیم به منزله کناره و لبه جاده است. معلوم است که تا دو طرفی برای جاده نباشد متن جاده هم فرض نمی‌شود (۴۵) پس اگر شیطانی نبود نظام عالم انسانی هم نبود.

در قرآن در آیات متعددی واژه «عدو» به معنای دشمن به کار رفته است. بیشتر استعمال این واژه در خصوص شیطان و دشمنی آشکار او است؛ اما در آیات دیگری هم به دشمنی انسانها با یکدیگر پرداخته است. در بعضی آیات کافرین را دشمن معرفی کرده است در مقابل به دشمنی خداوند با کافران هم اشاره شده است (بقره: ۹۸).^۴ همسر و فرزندان نیز در مواردی برای انسان در زمره دشمن محسوب می‌شود (تغابن: ۱۴).^۵ دشمنی بیرونی اقوام و ملت با هم آمده است (نساء ۹۲).^۶ از کثرت آیات متعدد در زمینه دشمنی در آموزه‌های دینی می‌توان به این نکته رسید که شناخت دشمن از الزامات اصلی در جهان بینی اسلامی است.

دشمن‌های درونی و بیرونی در یک درجه اهمیت قرار ندارند. پیامبر برای انسان، خطرناک ترین دشمن را نفس انسان که همان نفس اماره است معرفی می‌کند. «أعدی عدوک نفسک الّتی بین جنبیک. خطرناک‌ترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوی تو است.» (۴۶). تا دشمن درونی یا بیرونی وجود نداشته باشد و تا مانعی در مسیر نباشد مبارزه معنا نخواهد یافت. یکی از الزامات اصلی در تربیت انسان مجاهد دوری و بی‌زاری جستن از غیر حق است. لازمه حقیقت‌گرایی نفی باطل است. در قرآن (توبه: ۷۳)^۷ هنگامی که دستور به جهاد با کفار و منافقین به مجاهدان داده می‌شود، شدت جهاد نیز در تعبیر «وَ اغْلُظْ عَلَیْهِمْ» مطرح می‌شود. شرط لازم برای اینکه انسان مجاهد بتواند نسبت به کفار و منافقین شدت عمل به خرج دهد، نفرت درونی و دشمن ستیزی با آنهاست. عدم دوستی درونی با دشمنان در قرآن (ممتحنه: ۱)^۸ تذکر داده شده است؛ زیرا جهاد در راه خدا با دوستی دشمنان خدا سازگار نیست. انسان مجاهد اگر به دنبال کسب رضایت الهی است، نمی‌تواند رضایت دشمنان خدا را به دست آورد.

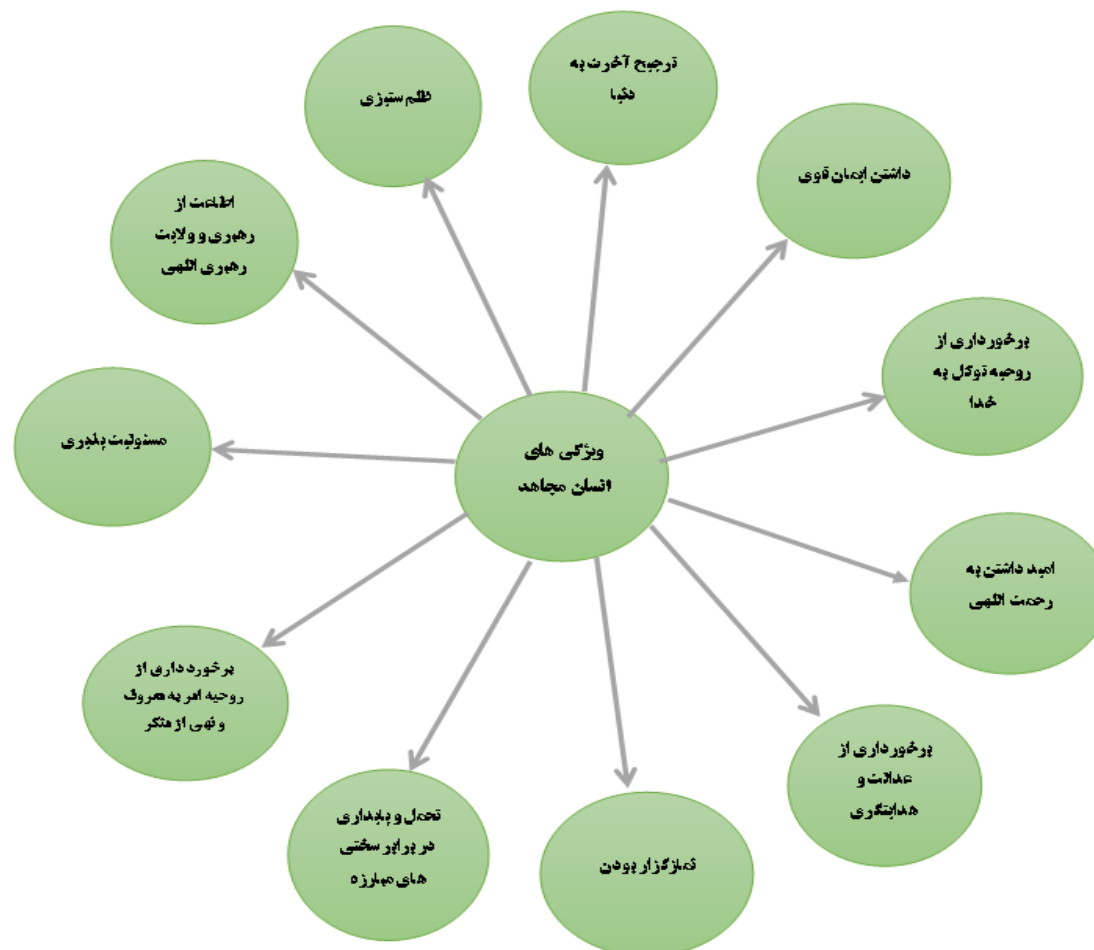
^۴ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ - بقره/ ۹۸.

^۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ - تغابن/ ۱۴.

^۶ فَإِنَّ كَانِ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٌّ لَكُمْ - نساء/ ۹۲.

^۷ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَیْهِمْ وَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ - توبه/ ۷۳.

^۸ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَ مَا أَعْلَنْتُمْ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ - ممتحنه/ ۱.



شکل ۲- مدل نظری مطلوب اندازه گیری ویژگی های انسان مجاهد

بحث و نتیجه گیری:

از بررسی انسان مجاهد و ویژگی های آن در قرآن و روایات نتایج زیر قابل ارائه می باشند: اولاً؛ جهاد در دین مبین اسلام از جایگاهی بس رفیع و والایی برخوردار است و به عنوان رکنی از ارکان دین و بخش مهمی از زندگی هر فرد محسوب می شود که جز وظایف انسان مجاهد می باشد لذا جهاد و مجاهدت دو واژه و دو اصطلاح به هم پیوسته، مکمل و در راستای هم می باشند که تحقق هر کدام از آنها بسته به وجود دیگری می باشد؛ ثانیاً؛ آنچه اهمیت کار انسان مجاهد را در جهاد نشان می دهد برخورداری از ایثار و روحیه ایثارگری می باشد بنابراین انسان مجاهد ایثار را سر لوحه خود قرار می دهد و از این رو آنچه سبب برسته شدن انسان مجاهد می گردد برخورداری او از روحیه جهاد، جهادگری، ایثار و ایثارگری می باشد چرا که عدم توجه به این اصطلاحات و واژه ها تحقق انسان مجاهد با ویژگی های خاص او عملاً غیر ممکن می گردد؛ ثالثاً؛ واژه و اصلاح دیگری که رابطه تکمیلی با دو واژه جهاد و مجاهد و ایثارگر دارد شهادت و دارا بودن روحیه شهادت طلبی می باشد از این رو مهمترین تکلیفی که انسان در پیشگاه حضرت حق دارد، بنا به تعبیر قرآن و بیان احادیث و روایات ائمه ای معصومین «ع» این است که هنگام در مخاطره قرار گرفتن، خصوصاً آنگاه که دین در مخاطره باشد به جهاد برخیزد و خود را فدا سازد. لذا با توجه به ایثار و روایات شهادت و شهادت طلبی از بهترین و محبوب ترین افعال و ملکات و روحیات شایسته در نزد خداوند است بنابراین سه واژه و اصطلاح جهاد- جهادگری، ایثار- ایثارگری و شهادت و شهادت طلبی سه اصطلاحی هستند که تعیین کننده نوع، شخصیت و تیپ انسان مجاهد می باشند که در این تحقیق بدانها پرداختیم رابعاً؛ علاوه بر موارد فوق عمده ویژگی هایی که از خلال آیات و روایات می توان برای انسان مجاهد برشمرد به قرار زیر است از جمله: مسئولیت پذیری مجاهدان؛ برخورداری از روحیه امر به معروف و نهی از منکر؛ تحمل و پایداری در برابر سختی های؛ نمازگزار بودن؛ برخورداری از عدالت و هدایتگری؛ امید داشتن به رحمت الهی؛ برخورداری از روحیه توکل بر خداوند متعال؛ داشتن ایمان قوی؛ ترجیح آخرت به دنیا و ولایت مداری و برخورداری از روحیه اطاعت پذیری از رهبری الهی را برشمرد.

منابع:**Quran.**

- 1- Kamijani D.. Faryad Res Zainab, getting to know the structure of religious education and ways to accept it, two quarterly educational teachings in the Qur'an and Hadith, 2014; 2: 71.
- 2- Hashemi, S.H.. The nature and goals of education, Qur'anic research quarterly, 2008; 15(60) autumn and winter: 30.
- 3- Azima S.. Semantics of Quranic Words (Dictionary of Quranic Terms), translated by Seyyed Hossein Seidi, 4th edition, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 2012
- 4- Imam Khomeini's speech, dated 2/25/1359.
- 5- Maraghi, Ahmed Mustafa. (14th century). Tafsir Maraghi, Beirut: Dar al-Fikr Publications; 2007
- 6- Maraghi, Ahmed Mustafa. (14th century). Tafsir Maraghi, Beirut: Dar al-Fikr Publications.
- 7- Maraghi, Ahmed Mustafa. (14th century). Tafsir Maraghi, Beirut: Dar al-Fikr Publications.
- 8- Nouri Hamdani Ayatollah H.. Jihad, Tehran: Publications of Farhang Islamic Department; 1367, 1988

- 9- Ibn Arabi, Muhyiddin, Muhammad Bin Ali. Al-Futuhah al-Makkiyya fi Ma'rafa Asrar al-Malkiyyah, vol. 2, Beirut: Darsader;1388, 2010
- 10- Bukhari, Muhammad bin Ismail. (1410 AH). Sahih Bukhari, Egypt, Cairo: Ministry of Endowments Publications.
- 11- Muslim, Ibn Hajjaj. (1412 AH). Sahih Muslim, Egypt, Cairo: Publisher: Dar al-Hadith.
- 12- - Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1372). Majmam al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, third edition, Tehran: Nasser Khosro Publications; 1372, 1990
- 13- Qarafi Shahab al-Din, Ahmad bin Idris, Al-Dukhirah al-Qarafi, Al-Haggee: Muhammad Haji, Beirut: Al-Nasher Dar al-Gharb al-Islami Arab; 1994
- 14- Qarafi Shahab al-Din, Ahmad bin Idris, Al-Dukhirah al-Qarafi, Al-Haggee: Muhammad Haji, Beirut: Al-Nasher Dar al-Gharb al-Islami Arab; 1994
- 15- Qarafi Shahab al-Din, Ahmad bin Idris, Al-Dukhirah al-Qarafi, Al-Haggee: Muhammad Haji, Beirut: Al-Nasher Dar al-Gharb al-Islami Arab; 1994
- 16- Shirazi, Sadruddin. Description of Usul Kafi, vol. 1, published by: Ministry of Culture and Higher Education, Institute of Cultural Studies and Research; 1987
- 17- Abdul Baqi M.F. Al-Maajim Al-Mufahrs to the Words of the Holy Qur'an, Cairo: Darl-Kitab Al-Masriyeh Publications; 1364 AH
- 18- Tabatabaei Seyyed Mohammad Hossein.. Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an, 5th edition, Qom: Jamia Madrasin; 1417AH
- 19- - Tabarsi Fazl bin H.. Majmam al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, third edition, Tehran: Nasser Khosro Publications; 1991
- 20- Majlisi MBbMT. Baharalanvar, published by Dar al-Kitab al-Islamiya; 2008
- 21- Faiz Kashani, Mulla Mohsen.. Al-Wafi, Isfahan: Publisher of the school of Imam Amir al-Mominin Ali (AS); 2010
- 22- Taghizadeh Akbari A.. Spiritual and cultural factors of holy defense, Vol. 2 (Zamzam Hedayat), Qom: Islamic Research Center Publications; 2008
- 23- Elhaminia A.A.. Military Ethics, (Zamzam Hedayat), Qom: Islamic Research Center; 2006
- 24- Nahj al-Balagha.. Translated by Seyed Jafar Shahidi, Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization; 1994
- 25- Al-Zamakhshari O. Tafsir Kashaf, . Tehran: Aftab 2.
- 26- Akhundi, Mustafa.. Jihad in the Mirror of Traditions, Volume 2, First Edition, Zamzam Hedayat Publications; 2008
- 27- Kilini, M. bin Yaqub.. Usul Kafi, translated by Hashem Rasouli, Vol. 8, H. 132, Ilmia-Islamiya publication; 1991

- 28- Kilini, Mohammad bin Yaqub.. Usul Kafi, translated by Hashem Rasouli, Vol. 8, H. 132, Ilmia-Islamiya publication; 1991
- 29- Al-Jarjani AIM. Definitions, Tehran: Nasser Khosrow, (Bita)
- 30- Motahari M.. Twenty speech, fifth edition, Tehran: Sadra; 1978
- 31- Tamimi Amadi, Abd al-Wahd bin Mohammad.. Commentary on Gharr al-Hakm and Darr al-Kalam, revised by Seyyed Jalaluddin Muhaddith, vol. 2, Tehran: University of Tehran; 1982
- 32- Sobhani J. Forough Abdiyat, Volume 2, Qom: Islamic Propaganda Office; 1988
- 33- Pak Sarsht, Mohammad Jaafar.. Educational theories and theorizing challenges in Iran's education, educational innovation magazine, 2008; 20: 11
- 34- Mohaghghegh, Zahra.. Analyzing the concept of hope and comparing it with psychology, Master's thesis, Department of Theology, Faculty of Humanities, Isfahan University; 2011
- 35- Flag S., Fatehizadeh M., Mohaghghegh, Z.. The three dimensions of Omid Snyder's theory and its application to the perspective of the Qur'an, two quarterly researches of Qur'anic and Hadith sciences, 2012; 19: 76
- 36- Beheshti A.. The Face of a Believer in the Qur'an and Hadith, first edition, Qom: Book Garden Institute of Qom; 2014
- 37- Bahrani S.H.. Al-Muhaja fima nazl fi al-Qaim al-Hijjah, quoted by: Tafsir Qomi, 1391; 2: 21
- 38- Thabit H., Farida.. Religious foundations and psychological analysis of patience based on Quranic verses, Siraj Munir Quarterly, 2011; 2(8): 27.
- 39- Hosseini Dashti, Seyyed Mustafa.. Maarif and Ma'arif (Islamic Comprehensive Encyclopaedia), vol. 2, first edition, Tehran: Dar al-Fikr Publishing House; 2013
- 40- Shayiri M. bin Muhammad. Jame Al-Akhbar, Najaf, Iraq, Volume 1.
- 41- Makarem Shirazi Ayatollah N.. Sample interpretation. The essence and goals of education, Qur'anic Research Quarterly, 2019; 15(60): 63
- 42- Har Amili, Muhammad bin Hassan Wasal al-Shia, Qom, Al-Al-Bayt Foundation, peace be upon her, for the revival of heritage; 2006
- 43- Javadi Amoli A.. Thematic interpretation of the Holy Qur'an: Society in the Qur'an. Qom: Isra Publishing Center; 2011
- 44- Akhot A., Haji Rajabali K.. Basics and methods of soft jihad. Qom: Kitab Farda; 2012
- 45- Tabatabayi S.M.H.. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 5th edition, Qom: Jamia Madrasin; 1417 AH
- 46- Payandeh A.. Nahj al-Fasaha. Qom: Pious; 2007